

دریچه

شکایت مارادونا از کارگردان «دست خدا»



همدلی | ماتیاِس مورا وکیل دیه‌گو مارادونا فوتبالیست مشهور آرژانتینی گفته است این بازیگر احتمالاً عملیاتی قانونی را در برابر فیلمساز ایتالیایی پائولو سورنتینو در پیش می‌گیرد. سورنتینو چند روز پیش گفته بود قصد دارد فیلمی با عنوان «دست خدا» را برای نتفلیکس بسازد. به نقل از ددلاین، نماینده حقوقی مارادونا در تعطیلات آخر هفته در توئیتر اعلام کرد از آنجا که از مارادونا برای ساخت این فیلم اجازه گرفته نشده، وی برای استفاده از تصویر و هویتش در فیلم آنها را به دادگاه می‌کشاند. عنوان فیلم یادآور صحنه‌ای است که مارادونا در مسابقات جام جهانی سال ۱۹۸۶ با ضربه دست به تیم انگلستان گل زد و بعد از عبارت «دست خدا» برای این کار استفاده کرد. هفته پیش نتفلیکس اعلام کرده بود این عنوان یک فیلم ورزشی نیست و ارتباطی هم با مارادونا ندارد و در واقع داستانی شخصی است که زندگی سورنتینو در دوره جوانی وی در دهه ۱۹۸۰ نایل را تصویر خواهد کرد. این سرویس ارائه آنلاین، تا این لحظه پاسخی به اظهارات وکیل مارادونا نداده است. با همه اینها مواردی هست که نمی‌توان نادیده گرفت از جمله اینکه در دهه ۸۰ مارادونا در تیم فوتبال نایل بازی می‌کرد و سورنتینو نیز گفته بود بازمانده یک حادثه ترازیک بوده که در آن وقتی تنها ۱۶ سال داشت، والدینش از بین رفتند و او همراه آنها به سفر نفت زیرآ می‌خواست در خانه بماند و بازی مارادونا را در تیم نایل در برابر یکی دیگر از تیم‌های مطرح ایتالیایی تماشا کند. سورنتینو در کارنامه‌اش فیلم‌های ورزشی دیگری هم دارد که فیلم «جوانی» محصول ۲۰۱۵ که نامزدی اسکار کسب کرد از جمله آنهاست. او در آن فیلم از بازیگری که شباهت بسیار به مارادونا داشت استفاده کرد که در هتلی لوکس زندگی می‌کند. نقش این شخصیت را رالی سرنای بازی کرد و او آنقدر شبیه مارادونا بود که صحنه تنیس بازی کردن وی در آن فیلم بارها به اشتباه به عنوان بازی تنیس مارادونا دیده شد. روشن نیست شکایت قانونی مارادونا چه تأثیری بر روند ساخت این فیلم داشته باشد.

شخصیت‌های انیمیشن‌های کانون، عروسک شدند



همدلی | شخصیت‌های فیلم‌های پویانمایی خاطره‌انگیز کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در قالب ۷۰ عروسک کچه (الیاف پشمی) تولید شده است. این عروسک‌ها از سوی جیستا تاجور و رادین ابراهیم دو هنرمند کشورمان ساخته شده است. به نقل از اداره کل روابط عمومی و امور بین‌الملل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، «یکی کم است» و «بهادر» به کارگردانی عبدالله علیمراد، «توکا در قفس» به کارگردانی مهرداد شیخان، «جموعه عروسی عروسی» به کارگردانی مهین جواهریان، «شَب ترسناک لومو» به کارگردانی ساره شفیعی‌پور، «صه پتیرک» اثر پروین تجوید و «ماهی رنگین‌کمان» اثر فرخنده ترابی از جمله انیمیشن‌های کانون است که شخصیت‌های آن به عروسک تبدیل شده‌اند. همچنین شخصیت انیمیشن‌های «زال و سیمرغ»، «هن آثم که» و «رخ» از مجموعه آثار علی‌اکبر صادقی در دست تولید قرار دارد و در حال حاضر هشت شخصیت آن به عروسک تبدیل شده است. تعداد دیگری از شخصیت‌های آثار پویانمایی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در آینده نزدیک و با هدف کمک به توسعه محصولات جانبی و پیوسته‌های فرهنگی به عروسک‌های کچه تبدیل می‌شوند و سپس این آثار در قالب نمایشگاهی به معرض دید علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت.

سازمان ۳۲گانه

روزنامه

همدلی

۰۲۱۸۸۹۹۶۶۰۸

۰۹۱۲۶۸۷۰۱۹۱

فرهنگ وهنر

مرور زندگی یک هنرمند، در گفت و گوی همدلی با همسرش؛ احترام برومند

پشت صحنه داود رشیدی



علوم سیاسی و تسلطش به زبان فرانسه بود. خودش دراین‌باره می‌گفت: «من سال‌های زیادی را در خارج از کشور زندگی کردم. پیش‌ازاین هم بارها گفتم‌ام که پدرم جزو کادر وزارت خارجه بود و ما هم در دوران مأموریتش در بروکسل زندگی می‌کردیم. بعدها هم راهی فرانسه شدیم و چند سالی در پاریس ماندیم. آن زمان فرزندان اعضای سفارتخانه‌ها می‌توانستند در مدارس خوب درس بخوانند. این فرصت برای من هم وجود داشت و به خاطر دارم که مرا در یکی از بهترین مدارس بروکسل ثبت‌نام کردند.» این بازیگر کهنه‌کار روزهایی را در خوابگاه مدرسه شبانه‌روزی‌اش به خاطر می‌آورد که تازه‌وارد بود و شش تا صبح در دوری خانواده با غصه وقت می‌گذراند. رشیدی البته براینمان از پیدا کردن رفقای در میان هم‌کوبگاهی‌هایش هم گفت و دراین‌باره که مدتی بعد آنها تبدیل به یک باند زشروشور از نوجوان شده بودند. او تا کلاس یازدهم را در بروکسل گذراند اما علوم سیاسی بخواند. این قرار بر این توافق می‌بود که با پدرش کند. او البته هم‌زمان با تحصیل در دانشگاه، در کلاس بازیگری تئاتر هم درس خواندن را شروع کرد و مادام لاشنال آنجا معلمش شد. او نقش آفرینی کرد. بعدازآن هم نوبت به رشیدی با «آنتیگونه» وارد عرصه حرفه‌ای تئاتر شد. پیش از آن البته در شهر ژنو هم در تئاتر «کاروز» کار می‌کرد.

❖ **تاسیس گروه تئاتر «امروز»**

درشش که تمام شد به ایران برگشت، اما یک راست راهش را گرفت و رفت به اداره هنرهای دراماتیک و همان‌جا استخدامش کردند. در طول سال‌های حضورش در اداره هنرهای دراماتیک روی صحنه تئاتر می‌رفت، بازیگری درس می‌داد و البته کارگردانی هم می‌کرد تا اینکه «فرار از تله» شد اولین فیلم سینمایی با بازی او. رشیدی در آن فیلم در کنار بهروز وثوقی می‌رسید که یادآوری گذشته اشک را میهمان چشمانش می‌کرد و گاهی هم از فرط شادی یادآوری خاطرات شیرین، چنان صدا و البته تصویری از قهقهه را روی لب‌ها و در صدایش می‌انداخت، که دل آدم غنچ می‌کرد. بعدازآن هم نوبت به ایرانیان را بسیار دوست می‌داشت.

کسی چه می‌داند، شاید این علاقه‌مندی در دوران غربت بیش از گذشته در دل‌جوانش رخنه کرده بود. وقتی به او درباره «فرار از تله» و سنس‌هایی که با تماشای آن فیلم، از عرب‌های کشورمان پیش روی مردم قرار گرفت، سخن به میان آمد، گفت:«البته متأسفانه آن سنت‌ها دیگر از میان رفته است. گفتنش سخت است اما باید قبول کنیم که امروز میراث فرهنگی و معنوی عشایر در کل کشور رو به نابودی می‌رود و به این خاطر من واقعا احساس نگرانی می‌کنم.»

❖ **کار پدر فرزند را راهی غربت کرد**

یکی از ویژگی‌های جالب و شاید کم‌نظیر رشیدی تحصیلاتش درزمینه

هزاردستان توانست نقش او را در بوم هنر ایران ثبت کند. او البته در سریال «کوچک جنگلی»، «گرگ‌ها»، «امام علی»، «گل پامچال»، « آوای فاخته»، «ولایت عشق» و «تنهاترین سردار» هم جلوی دوربین رفت.

❖ **آقای رشیدی، دلخوشی شما به چه چیزهایی است؟**

این اواخر جایی از او پرسیده بودند چه چیزی برایش مایه دل‌خوشی است؟ او هم گفته بود: «تفاقات خصوصی زیادی در زندگی‌ام رخ نداده که بتوانم بگویم مایه دل‌خوشی‌ام بوده است، اما سال‌های سال است که با شادی مردم، شاد می‌شوم و با سختی‌هایشان، غمگین. آخرین بار شاید تولد نوه‌ام در زندگی خصوصی باعث دل‌خوشی‌ام شد.» در زادروز داود رشیدی باز هم سسری به احترام برومند درزیم تا با ما گفت‌وگو کند. او درباره خصوصیات اخلاقی داود رشیدی گفت: «شما فکر نکنید که در طول این سال‌ها برای او اتفاقات بد نیفتاد، اما داود همیشه آدم محکم و تسوداری بود و هیچ‌وقت ناراحتی‌هایش را بروز نمی‌داد. به یاد دارم که قرار شد در یکی از ادوار جشنواره فجر از او تجلیل کنند و یکی از اهالی سینما که از این ماجرا باخبر شده بود پیشش آمد و گفت ما واقعا از این اتفاق خوشحالیم، اما چرا این‌قدر دیر؟ داود هم پاسخ داد: دیر بهتر از هیچ‌وقت است. به نظر من این جمله برآمده از نگاه مثبتش به زندگی بود درحالی‌که می‌توانست بگوید آری! به من جفا شد و حق من را ضایع کردند اما هیچ‌یک از این‌تعبیر را به‌کار نبرد.»

برومند که آدم‌های چهل‌وپنچده ساله امروز او را با اجرای برنامه کودک و نوجوان در ذهن دارند، درباره پاک‌سازی داود رشیدی از تلویزیون بعد از انقلاب گفت: «بعد از انقلاب نمانی به او دادند که در آن گفته شده بود، خودت را به امور اداری معرفی کن، بعدازآن گفتند تقاضای بازنشستگی کن و او هم این کار را انجام داد. در ادامه هم گفتند که از صداوسیما پاک‌سازی شده‌ای. چند سال قبل از انقلاب در اداره هنرهای دراماتیک آمده بود بیرون و در دوران ریاست رضا قطبی بر تلویزیون شد مسئول گروه نمایش (فیلم و سریال). علی حامی، علی نصیریان، جلال ستاری، اسماعیل شنگله، زهری و پزشک‌زاده از اعضای شورای گروه نمایش آن سال‌های تلویزیون بودند. «سلطان صاحبقران»، «خانه قمرخانم»، «دایی‌جان ناپلئون»، «مرد برقی»، «داستان‌های مولانا»، «مرد اول»، «پهلوانان» و آثار بسیاری دیگری در دوران مدیریت او در تلویزیون ساخته شد و قرارداد آثاری همچون «هزاردستان» هم در همان سال‌ها به امضا رسید. حضورش به عنوان مدیر در تلویزیون پیش از انقلاب باعث شد کنراش بگذارند و تا امروز که حدود چهار سال از رفتش می‌گذرد، حتی یک ماه حقوق بازنشستگی هم دریافت نکند.»

❖ **یک جنتلمن واقعی**

برومند از حجب و حیای زنده‌یاد رشیدی هم حرف زد و توضیح داد: «همین خصوصیت اخلاقی باعث می‌شد که دوست نداشته باشد برای پیگیری کارهای خودش به دفتر همکارانش برود. دوست داشت بتواند جایی را داشته باشد که بتواند در آن برنامه‌هایش را دنبال کند. فکر می‌کنم یکی از ویژگی‌هایی که از همان روز اول در وجود آقای رشیدی مرا به‌سوی خودش جذب کرد و تا زمانی که

از دنیا رفت، آن را همراه داشت، منش و رفتار نیکوی او بود.»

چند سالی است که جایزه‌ای با نام داود رشیدی برگزار می‌شود. از احترام برومند درباره برگزاری این جایزه پرسیدیم و او پاسخ داد: «سال قبل آقای امیر نادری پیامی برای سومین دوره جایزه داود رشیدی فرستاد که در آن می‌شود دلیل من برای برپا کردن این جایزه را دید. به قول آقای نادری قدر داود شناخته نشد و دست من به هر کاری زد، سد راهش شدند. وقتی تئاتر کار می‌کرد، به شکلی جلوی‌ش را گرفتند، زمانی‌که می‌خواست در سینما حضور داشته باشد و به شکلی دیگر مانع‌ش شدند. او هیچ‌وقت نمی‌خواست بیکار و ناامید باشد و روحیه‌اش این‌طور نبود که برود و به کسی بگوید از لحاظ مالی تحت‌فشار است. به همین خاطر مدام در حال سعی و تلاش بود. می‌نوشت، ترجمه می‌کرد و سرگرم تهیه‌کنندگی می‌شد.» او افزود: «آخرین نمایشش را هم سال ۹۰ روی صحنه برد. همان زمانی که درگیر شیمی‌درمانی بود، اما کاری که روی صحنه برد با موفقیت قابل توجهی هم روبه‌رو شد و هیچ‌کس هم توجه بیماری را نشد. من با برگزاری این جایزه می‌خواستم ابعاد کمتر شناخته‌شده او را به جوانان و علاقه‌مندان به هنر نمایش و به‌طورکلی بازیگری معرفی کنم. بالاخره جوان امروز نماینده مثل «پیروزی در شیکاگو» را در یاد ندارد، چون این اثر ۳۰ سال قبل به روی صحنه رفت. به‌هرحال جوانان امروز باید بدانند چه کسانی چه‌کارهایی کردند برای هموار کردن این راه!»

❖ **استمرار و مردمداری؛ رمز ماندگاری پنج تن**

بانو برومند، گفت: «داود در شرایط خاصی بزرگ شده بود و از منظر شخصیتی هم ویژگی‌های خاص خودش را داشت، اما ما سال‌ها با دغدغه مالی مواجه بودیم. خودش هم بارها گفته بود که من به‌رحال بازیگر بودم و زندگی‌ام را باید از این راه می‌گذراندیم. او خودش را در مقابل خانواده مسئول می‌دانست و معتقد بود که باید کشتی زندگی را جلو ببرد اما مدام مانعش می‌شدند. وقتی «پیروزی در شیکاگو» را به روی صحنه برد، انفجاری در جامعه ایجاد شد، اما جلوی‌ش را گرفتند. از چند کشور خارج دعوتش کردند که آن نمایش را به روی صحنه ببرد، اما بازم هم جلوی‌ش را گرفتند. البته قرار بود آن تئاتر را با هزینه خودش به روی صحنه ببرد و چند کشور هم سالن و محل تمرین و بقیه امکانات را فراهم کرده بود، اما نگذاشتند کاری را که باید انجام بدهد.»

همسر داود رشیدی در پایان به نقطه عطفی که باعث شد نام داود رشیدی، عزت‌الله انتظامی، جمشید مشایخی، محمدعلی کشاورز و علی نصیریان در کنار هم در تاریخ هنر بازیگری در ایران ثبت شود، گفت: «به‌رحال آنها از سال‌ها قبل از تئاتر باهم همکار و همبازی بودند، اما از نگاه من هزاردستان علی حامی را باید نقطه عطفی برای این اتفاق دانست. آنان در آن دوره به پختگی کامل در بازیگری رسیده بودند و نقش‌هایشان هم به‌قدری ماندگار و ویژه بود که نامشان را برای همیشه در کنار هم قرار داد. مهم‌ترین دلیل ماندگاری آنها را اما استمرارشان در کار و شیوه برخوردشان با مردم می‌دانم.» امروز هشتاد و هفتمین زادروز زنده‌یاد داود رشیدی است؛ مردی که به گردن هنر ایران خلیلی حق داشت.

روزنامه

رویداد

«خطوط بی‌مکان» منتشر شد



همدلی | آلبوم «خطوط بی‌مکان» عنوان تازه‌ترین پروژه موسیقایی گروه «گاه» است که به‌تازگی پیش روی مخاطبان قرار گرفت. در توضیح این آلبوم آمده است:

«بعد از آلبوم‌های «باغ معلق انگور» و «خلوت بی‌زمان»، «خطوط بی‌مکان» سومین تلاش در ادامه مسیر و تفکر گروه «گاه» برای آفرینش موسیقی چند بعدی است. این مجموعه تلاشی است برای کنار هم نشاندن سه فرهنگ موسیقایی «آرامی»، «سلسلی» و «دستگاهی ایران»». محمدرضا درویشی از پژوهشگران و استادان شناخته شده موسیقی کشورمان نیز در بخشی از یادداشت خود به بهانه عرضه آلبوم «خطوط بی‌مکان» نوشته است: «خطوط بی‌مکان؛ این نامی است که نخیکان و پدیدآورندگان این مجموعه بر این موسیقی نهاده‌اند. من اگر جای آنها بودن می‌گفتم: خطوط بی‌مکان و بی‌زمان. حال فرصت آن نیست که وارد مقولات فیزیک شویم. ولی وقتی خودشان از مکان سخن می‌گویند لاجرم بعد زمان به میان می‌آید. خطوط بی‌مکان درست است از آن جهت که سه نوازنده در سه بعد مختلف یعنی در سه هستی و سه مکان مختلف مرتبط باهم دست به بداهه‌سرایی می‌زنند. یکی در موسیقی دستنگاهی، یکی در موسیقی آرامی و یکی در موسیقی پتانوتیک؛ و جملگی هم‌نوا؛ اگرچه «بی‌مکان» با هم، هم‌آوایی می‌کنند و فرآزفرودهای دلنشین دارند. اما زمان را از کدام دید باید دید و مکان را؟ زمان در بعد منتهای از دیدگاه انسان دچار تغییرات می‌شود و مکان نیز از نظر برخی فیزیکدانان بدون بعد مکان، زمان معنا ندارد. در واقع زمان بدون مکان از نظر آنها صرف نظر است و تئوری. حال به این مجموعه بازگردیم؛ «خطوط بی‌مکان»، مکان به چه معنایی است؟ به معنای اقلیم یا به معنای دستان در ساز؟ از هر دو نظر درست است. از نظر اقلیم هر سه نوازنده اقلیم‌های جغرافیای مختلفی را نشان می‌دهند و از نظر دستان، هر سه نوازنده از نظر مکان، دستان‌های مختلفی را در بداهه‌پردازی خود اختیار می‌کنند. این است جوهر و هم رنگی روح آن‌ها در این بداهه بی‌نظیر.»

فصلنامه «زیباشناخت» به شماره سوم رسید



همدلی | شماره سوم از دوره جدید فصلنامه «زیباشناخت» به همت بنیاد فرهنگی هنری رودکی منتشر شد. «زیباشناخت» یک فصلنامه مطالعات نظری و تاریخی هنر است. در سومین شماره از دور جدید انتشار این فصلنامه، مطالبی در چهار بخش با عناوین هنرآزمایی، هنر شناخت، تبارشناخت و کتاب شناخت، منتشر شده است. در بخش نخست، دان کارل هلم، دانشیار دانشگاه سوئد تونر استکلهم، در مقاله‌ای با عنوان «در باب بازنمایی تاریخ هنر معاصر» به بررسی نمونه‌ها و پیامدهای تاریخی هنر پرداخته است. در ادامه در مطلبی به عنوان «برسش از یک مفهوم معاصر: معاصر چیست؟» مجید آنگر به بررسی مقاله دان کارل هلم پرداخته است. «تلقی هنرونتیکی از هنر معاصر» به قلم امیر نصری یکی دیگری از مطالب بخش «هنرآزمایی» است. بخش «هنر شناخت» با مقاله‌ای از گوئفرید بوهم، استاد تاریخ هنر مدرن در دانشگاه بال سوئیس، باعنوان «فراتر از زبان؟ نکاتی در مورد منطق تصاویر» آغاز شده است. مقاله «کانت پس از دوشان» به قلم تیره‌ی دو دوو، مقاله «کپیرکُور، آپسین و زیبایی‌شناسی ارتباط غیرمستقیم» نوشته لئوناردو اف. لیس‌ی، دیگر مطلب این بخش هستند. بخش تبارشناخت به مقاله «لانوکسون، گفتاری در باب مرزهای نقاشی و شعر» نوشته گوتهولد افرایم لسینگ اختصاص دارد. در بخش «کتاب شناخت» نیز کتاب‌های «ایدنلوژی زیبایی‌شناسی» نوشته تری ایگلتون، «نگره فیکوراتیو در نقاشی معاصر ایران» با گردآوری مسلم خضری، «فردریش و عصر رومانیتسم آلمانی» اثر لیندا سیگل و دیگران «شش کارگردان اروپایی» نوشته پیتر هارکورت، «فتیشیسم در موسیقی و واپسروی شنیدن» اثر تسودور ادورنو و «به صحنه بردن فلسفه: فصل مشترک‌های تئاتر، اجرا و فلسفه» معرفی شده‌اند. سومین شماره فصلنامه مطالعات نظری و تاریخی هنر «زیبا شناخت» به صاحب امتیازی بنیاد فرهنگی هنری رودکی، با مدیریتسولوی مهدی افضلی و سردبیری کامران سپهران منتشر شده است و در کتابفروشی‌ها در دسترس علاقه‌مندان قرار دارد.